

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره مبارکه لیل

استاد ضرابی اسفند ۱۳۹۹

جلسه دوم ۹۹/۱۲/۲۵

آیات شریفه : «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى (۱) وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى (۲) وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى (۳) إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى (۴) - سوگند به شب چون پرده افکند (۱) سوگند به روز چون جلوه گری آغازد (۲) و [سوگند به] آنکه نر و ماده را آفرید (۳) که همانا تلاش شما پراکنده است (۴)»

عنوان: تفاوت در سوگندهای «لیل» و «ضحی»

در سوره شریفه «ضحی» خداوند سبحان فرمود: «والضحی و الیل إذا سجد» مبدأ حرکت نور است و سپس فراگیری ظلمت و تاریکی و این در خلقت انسان منطبق است بر «لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم ثم رددناه اسفل سافلین» در ابتدا جنبه وجه الهی بر انسان غلبه دارد و جنبه وجه الخلقی در آن فانی است یعنی انسان از خود چیزی نمی بیند و جز خدا مشاهده نمی کند؛ با تنزل در بدن مادی و محجوب شدن به حجاب نفس و توجه به خودیت آن جنبه وجه الهی انسان تحت تأثیر جنبه وجه الخلقی، دیده نمی شود.

این سیر را می توان به غروب خورشید حقیقت وجود انسان و غروب جنبه وجه الهی او در پشت حجاب وجه الخلقی که نفس طبیعی انسان و خودیت و انانیت انسان است تعبیر نمود.

حقیقت انسانیت و جنبه وجه الهی پشت حجاب نمی ماند و کم کم بعد از سیطره کامل شب دیجور و ظلمانی نفس، طلوع فجر و بردمیدن آفتاب و شمس جنبه وجه الهی انسان آغاز می شود که دل ظلمت را می شکافد. در این سیر خداوند سبحان در سوره مبارکه لیل فرمود: «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى * وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى» بعد از آن

که شب کاملاً فراگیر شد، روشنی، شب را می‌شکافد و این حکایت بیداری انسان از خواب سنگین طبیعت و دیدن نور الهی در حقیقت خود و آشنایی بیشتر و رجوع به آن و شناخت بیشتر خداوند است از این رو فرمود: «من عرف نفسه فقد عرف ربه» - هر کس خود را شناخت خدای خود را خواهد شناخت (عوالی اللئالی؛ ج ۴، ص ۱۰۲، ح ۱۴۹).

سیر صعود و بازگشت بسوی حق در سفر معنوی و حرکت ارادی انسان و غلبه روحانیت انسان بر جسم طبیعی و غرائز مادی، انسان را به حقیقت الانسان و اصل خویش بر می‌گرداند.

بیا و هستی حافظ زپیش او بردار که با وجود تو کس نشنود زمن که منم

عنوان: عالم همه شرح کتاب وجود انسان

اگر چه محور بحث در اینجا انسان است اما در این سیر نزول و صعود همه هستی هم‌نوی با انسان، مدارج هستی را پایین آمده و دوباره به سوی حق برمی‌گردند. تطبیق و شرح سیر نزول و صعود درباره دیگر موجودات مجال دیگری می‌طلبد.

اکنون ما برمی‌گردیم به محور اصلی بحث که تجلی یا مشاهده خداوند در آئینه وجود انسان است؛ خداوند متعال از صحنه زیبای روز و شب و طلوع و غروب خورشید تابلوی زیبایی ساخته است که همان شرح و تفصیل سرنوشت انسان و حکایت آفرینش جهان و هستی است.

یعنی خداوند با شب و روز، کتاب وجود انسان و آفرینش او را در برابر چشمان انسان می‌گشاید برای آنان که می‌اندیشند. «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ - محققاً در خلقت آسمانها و زمین و رفت و آمد شب و روز دلائل روشنی است برای خردمندان عالم.» (آل عمران/ ۱۹۰)

امام خمینی (ره) موضوع را چنین شرح داده است: «اعلم ان الإنسان هو الكون الجامع لجميع المراتب العقلية والمثالية والحسية، منطوٍ فيه العوالم الغيبية والشهادتية»

وما فيها؛ كما قال الله تعالى: (وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا) (بقره / ۳۱). وقال مولانا ومولى الموحدين، صلوات الله عليه: أترعم أنك جرمٌ صغير/ وفيك انطوى العالمُ الاكبر- بدانکه انسان وجودی است که دربردارنده همه مراتب عقلی و مثالی و حسّی است و تمام عوالم غیب و شهادت و هر آنچه در آن است در وجود او پیچیده و پنهان است چنانچه خدای تعالی می فرماید: «خداوند همه نامها را به آدم آموخت.» و سرور ما و سرور یگانه پرستان - درود خدا بر او باد - فرمود: تو گمان می کنی همین جرم کوچکی [نه] در تو جهانی بزرگ پیچیده گردیده است.»

«فهو مع الملك ملك، ومع الملكوت ملكوت، ومع الجبروت جبروت. وروی عنه وعن الصادق، عليهما السلام: «اعلم ان الصورة الانسانية هي اكبر حجج الله على خلقه، وهي الكتاب الذي كتبه بيده وهي الهيكل الذي بناه بحكمته، وهي مجموع صورة العالمين، وهي المختصر من اللوح المحفوظ، وهي الشاهد على كل غالب، وهي الطريق المستقيم الى كل خير، والصراط الممدود بين الجنة والنار - پس انسان با ملكيان ملكی و با ملكوتيان ملكوتی و با جبروتيان جبروتی است و از اميرالمؤمنين و امام صادق - درود خدا بر هر دو باد - روایت شده است: "بدانکه صورت انسانی بزرگترین حجت‌های الهی بر موجودات است و او همان کتابی که با دست خود نوشته است و او همان هیكلی است که با حکمت خود بنایش نموده و او مجموعه صورت جهانیان و خلاصه ای از لوح محفوظ است و او بر هر مسلّطی شاهد است و او راه راست به سوی هر خیر و نیکی و راه کشیده بین بهشت و دوزخ است."

پس انسان جانشین خدا بر آفریده های حق تعالی است که به صورت الهی آفریده شده است. و در سرزمین حق تصرّف می کند و خلعت‌های اسما و صفات خداوندی را دربر کرده و در گنجینه های ملک و ملکوت او نفوذ دارد؛ و در او روح حضرت الهیه دمیده شده است، ظاهرش نسخه ملک و ملکوت و باطنش گنجینه های خدایی است که مرگ و فنا ندارد.» (انسان شناسی در اندیشه امام خمینی (س) ص ۷۵)

زهر چه در جهان از زیر و بالا است مثالش در تن و جان تو پیدا است

جهان چون تست يك شخص معين تو او را گشته چون حال او ترانن

عنوان: مانع بزرگ در راه بازگشت به اصل خود

از وقتی انسان بیدار می‌شود و در می‌یابد که نفس و شیطان چه مانع بزرگی بر سر راه انسان او در بازگشت به اصل و حقیقت خود در جوار ربّ الارباب هستند چنین نجوا می‌کند «إِلَهِی إِلَیْكَ أَشْکُو نَفْسًا بِالسُّوءِ أَمَّارَةً، وَ إِلَی الْخَطِیئَةِ مُبَادِرَةً، وَ بِمَعَاصِیْكَ مُوَلَّعَةً، وَ لِسَخَطِكَ مُتَعَرِّضَةً، تَسْلُکُ بَی مَسَالِکِ الْمَهَالِکِ، وَ تَجْعَلُنِی عِنْدَكَ أَهْوَنَ هَالِکٍ، کَثِیرَةَ الْعِلَلِ، طَوِیلَةَ الْأَمَلِ، إِنْ مَسَّهَا الشَّرُّ تَجَزَّعُ، وَ إِنْ مَسَّهَا الْخَیْرُ تَمْنَعُ، مِیَالَةً إِلَی اللَّعِبِ وَاللَّهْوِ، مَمْلُوءَةً بِالْغَفْلَةِ وَالسَّهْوِ، تُسْرِعُ بَی إِلَی الْحَوْبَةِ، وَ تُسَوِّفُنِی بِالتَّوْبَةِ - معبودم، از نفسی که فراوان به بدی فرمان می‌دهد به تو شکایت می‌کنم، همان نفسی که شتابنده به سوی خطا و آزمند به انجام گناهان و در معرض خشم توست، نفسی که مرا به راه هلاکت می‌کشاند و هستی‌ام را نزد تو از پست‌ترین تباه‌شدگان قرار می‌دهد، بیماری‌های بسیار، آرزویش دراز است، اگر گزندی به او رسد بی‌تابی می‌کند و اگر خیری به او رسد از انفاقش دریغ می‌ورزد، به بازی و هوسرانی میل بسیار دارد، از غفلت و اشتباه‌آکنده است، مرا به سرعت به جانب گناه می‌راند و با من در توبه و ندامت امروز و فردا می‌کند» (مناجات الشاکین)

«إِلَهِی أَشْکُو إِلَیْكَ عَدُوًّا یُضِلُّنِی، وَ شَیْطَانًا یُغْوِیْنِی، قَدْ مَلَأَ بِالْوَسْوَاسِ صَدْرِی، وَ أَحَاطَتْ هَوَاجِسُهُ بِقَلْبِی، یُعَاضِدُ لَی الْهَوَى، وَ یُزِیِّنُ لَی حُبَّ الدُّنْیَا، وَ یَحُولُ بَیْنِی وَ بَیْنَ الطَّاعَةِ وَالزُّلْفِ - معبودم، از دشمنی که گمراه‌ام می‌کند و از شیطانی که به بیراهه‌ام می‌برد به تو شکایت می‌کنم، شیطانی که سینه‌ام را از وسوسه انباشته و زمزمه‌های خطرناکش قلبم را فرا گرفته است، شیطانی که با هوا و هوس به من کمک می‌کند و عشق به دنیا را در دیدگانم نیکو و آراسته جلوه می‌دهد و بین من و بندگی و مقام قرب پرده می‌افکند» (مناجات الشاکین)

نفس را تسبیح و مصحف در یمین خنجر و شمشیر اندر آستین

مصحف سالوس او باور مکن خویش با او همسر و همبر مکن

سوی حوضت آورد بهر وضو و اندر اندازد تو را در قعر جو

عنوان: زوجیت و مظاهر آن در مراتب وجود

« وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى » : موضوع ذکر و انثی و زوجیت، یک حقیقت فراگیر در عالم هستی است و اختصاصی به موجودات طبیعی و جسمانی ندارد که بازگشت به ترکیب و تاثیر و تأثر یا فعل و انفعال دارد، این حقیقت در مراتب بالاتر وجود به ترکیب اسماء الهی، تفاضل اسماء و بازگشت به اسماء جامع و کلمات تامات الهی اشاره می‌کند.

به این صورت که برخی اسماء الهیه عظیمند (مثل جواد) و برخی اعظم (مانند الله)؛ برخی محیطند (مثل علیم) و برخی محاط (مانند محیی)؛ و گروهی متبوعند (مثل قادر) و گروهی تابع (مثل رازق). تتاکح (ازدواج) اسماء هم نوعی ترکیب در بین اسماء الهی است که منجر به تأثیر و تأثر اسماء از یکدیگر و پیدایش دو اسم متفاوت است چنان که خاصیت ترکیب دو اسم «القادر» و «القاهر» ، متفاوت است با خاصیت موجود در مظاهر دو اسم «القادر» و «الرحیم».

کما اینکه تقابل ، تراحم ها و برخورد های تکوینی یا تشریعی به تبع تقابل یا تخصم اسماء صورت می‌پذیرد؛ چنان که مقتضای دو اسم «محیی» و «ممیت» یا «هادی» و «مضل» متفاوت است. « سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ - پاک و منزّه است خدایی که همه ممکنات عالم را جفت آفریده چه از نباتات (و حیوانات) و چه از نفوس بشر و دیگر مخلوقات که اینان از آنها آگه نیستند. » (یس/۳۶)

آنچه در این بحث اهمیت فوق العاده دارد و مسیر سوگندهای الهی ما را به سوی آن هدایت می‌کند این است که این زوجیت ها و ترکیب ها یا تأثیر و تأثر ها و حاصل و نتیجه آنها همیشه خوب و مطلوب نیست.

در امر زوجیت فقط این تن ها و جسم ها نیستند که به هم نزدیک می‌شوند بلکه روح ها، قلب ها، افکار، آرزو ها، خلق ها، اعمال، همه و همه در یکدیگر ترکیب

می‌شوند و تاثیر و تاثر دارد و معنای زوجیت در بین این امور هم به گونه خود اتفاق می‌افتد.

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ ۚ وَإِنْ تَعَفُّوا
وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ - ای اهل ایمان، زنان و فرزندان شما هم
برخی (که شما را از طاعت و جهاد و هجرت در دین باز دارند) دشمن شما
هستند، از آنان حذر کنید، و اگر (از عقاب آنها پس از توبه آنان) عفو و آمرزش
و چشم‌پوشی کنید خدا هم (در حق همه شما) بسیار آمرزنده و مهربان است.»
(تغابن/۱۴)

آنچه که باید نسبت به آن حساس بود خوب و بد این اموری است که با یکدیگر
آمیخته می‌شود. خوبی‌ها با خوبی‌ها یکدیگر را تکمیل می‌کنند و راه روشن
بازگشت به اصل و حقیقت نوری و جنبه وجه الهی انسان را فراهم می‌کند و
اجازه ورود به عوالم نوری و قدس را پیدا می‌کند. همراهی با یاد و ذکر خدا و
صفات عالی انسانی و معارف الهیه و ملازمت با اعمال صالح، پذیرش و
زوجیت و همراهی با آنچه حق و حقیقت است

در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد

عنوان: زحمت‌ها و هزینه‌ها در نابودی خود

« إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى »: در جهانی که حق و باطل، نیک و بد در مظاهر گوناگون
خود به بازار عرضه می‌آیند و با جلوه‌گریها و عرضه محصولات دنیایی و
اخروی خود، مشتریان را به سوی خود می‌خوانند. دل‌هایی که شیفته و فریفته متاع
فانی دنیا می‌شود و در واقع صید و شکار نفس و شیطان می‌شود، برای رسیدن به
محبوب خود از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند. و با این انتخاب، مسیر و سرنوشت
خود را رقم می‌زنند و بار سفر به سوی مقصدی می‌بندند که خود انتخاب کرده‌اند
اما این عشق و شور کاذب نگذاشته است باطن و حقیقت آنچه را بر گزیده‌اند ببینند
و ممکن است وقتی متوجه شوند که دیگر برای آنها سودی نداشته باشد.

« وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ ۖ وَسَتُرَدُّونَ اِلَىٰ عَالَمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ - و بگو که هر عمل کنید خدا آن عمل را می بیند و هم رسول و مؤمنان بر آن آگاه می شوند، آن گاه به سوی خدایی که دانای عوالم غیب و شهود است بازگردانیده شوید و او شما را به کردارتان واقف سازد»
(توبه/۱۰۵)

البته در این میانه هادیان طریق و حاملان نور و فیض الهی بیکار ننشسته اند و پا به پای لشکریان نفس و شیطان در میدان درون و بیرون انسان حضور دارند به طوری که چهره حق را در هر موضوع و مسأله ای از مسائل زندگی انسان به او می نمایند تا او در انتخاب میان نور و ظلمت اعمال صالح و فاسد و باور و انکار حق و باطل در مسائل مربوط به شئون زندگی خود در دنیا و آخرت، مبدأ و معاد، عذری نداشته باشد.

ای کاش که چشم ها آنچه را خداوند می خواهد که دیده شود ببینند؛ « اِنْ سَعَيْكُمْ لَشَتٰی » با وضوح و روشنی راه حق « قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغٰی » حیرت انگیز است که انسان ها در جهت هلاکت و شقاوت خود چقدر سعی تلاش می کنند و چه قلیل اند رهروان راه حق.

پیامبر مکرم اسلام (ص) فرمودند: « در روز قیامت بنده قدم از قدم بر ندارد مگر اینکه پنج سوال از او بپرسند : ۱. از عمرش می پرسند که در چه راهی مصرف کرده است ، ۲. از جوانیش می پرسند که در چه راهی مصرف کرده ای . ۳. از دارائی و ثروتش می پرسند که از چه راهی درآوردی و در چه راهی خرج کردی . ۴. از علم و دانشش پرسند که چقدر از آن را عمل کردی. » (ارشاد القلوب جلد ۱ صفحه ۳۷)

امام علی علیه السلام: « اَيُّهَا النَّاسُ لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدٰى لِقَلَّةِ اَهْلِهٖ فَاِنَّ النَّاسَ قَدْ اجْتَمَعُوا عَلٰى مَائِدَةٍ شَبَعُهَا قَصِيرٌ وَ جَوْعُهَا طَوِيلٌ اَيُّهَا النَّاسُ اِنَّمَا يَجْمَعُ النَّاسَ الرِّضَا وَ السُّخْطُ وَ - ای مردم در راه راست، از کمی روندگان نهراسید، زیرا اکثریت مردم بر گرد سفره ای جمع شدند که سیری آن کوتاه، و گرسنگی آن طولانی است. ای مردم، همه افراد جامعه در خشنودی و خشم شریک می

باشند چنانکه شتر ماده ثمود را یک نفر دست و پا برید، اما عذاب آن تمام قوم ثمود را گرفت، زیرا همگی آن را پسندیدند. خداوند سبحان می فرماید: "ماده شتر را پی کردند و سرانجام پشیمان شدند" سرزمین آنان چونان آهن گداخته ای که در زمین نرم فرو رود، فریادی زد و فرو ریخت. ای مردم آن کس که از راه آشکار برود به آب می رسد، و هر کس از راه راست منحرف شود سرگردان می ماند.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۱)

اما اگر انسان درک درستی از زندگی دنیا و فلسفه تنزل خود به عالم دنیا پیدا می کند و هدف و مقصود از این توقف کوتاه را دریافت، دغدغه بازگشت به موطن اصلی پیدا کند؛ و تلاش و سعی او رنگ خدایی می گیرد.

کز نیستان تا مرا ببریده اند در نفیرم مرد و زن نالیده اند

سینه خواهم شرحه شرحه از فراق تا بگویم شرح درد اشتیاق

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش